

## The Challenge of Generative Artificial Intelligence and its Impact on Plagiarism in Academic Writing

**Kobra Mansourizadeh\***

Assistant Professor, English Department,  
Apadana Institute of Higher Education, Shiraz,  
Iran

### Abstract

The use of artificial intelligence (AI) in the educational contexts undoubtedly has fundamentally reshaped pedagogical methods and learning experiences. While these technologies provide powerful new means for enriching student achievement and optimizing educational outcomes, their proliferation has simultaneously given rise to significant ethical issues. Foremost among these is violation of academic integrity, since the ease of generating content with AI tools blurs the line between originality of research and automated texts. This emerging category of academic dishonesty, characterized by the misappropriation of machine-produced material, directly challenges the core educational precepts of intellectual authenticity and personal authorship. Therefore, this study addresses the challenges of prevalent uses of Artificial Intelligence in academic writing and its impact on plagiarism which can be a growing threat to academic integrity. The study also provides insights for instructors and higher education institutes to develop effective strategies to prevent AI misuse and promote ethical practices. The paper concludes that by employing pedagogical approaches to educate students and novice researchers on appropriate and legitimate use of AI and raise their awareness of academic misconduct, and by designing tasks which can promote critical thinking and creativity skills, integration of AI in education can lead to authenticity in research and foster learning outcomes.

**Keywords:** artificial intelligence, higher education, academic integrity, plagiarism, pedagogy

## چالش‌های استفاده از هوش مصنوعی مولد و تأثیر آن بر سرقت ادبی در نگارش دانشگاهی

کبری منصوریزاده\* | استادیار گروه زبان انگلیسی مؤسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران

### چکیده

استفاده از هوش مصنوعی در محیط‌های آموزشی در عصر حاضر بدون شک شیوه‌های تدریس و تجربه‌های یادگیری را به صورت بنیادین متحول ساخته است. این فناوری‌ها هر چند ظرفیت‌های چشمگیری برای ارتقای عملکرد تحصیلی و بهینه‌سازی فرایندهای آموزشی فراهم می‌آورند، اما در عین حال گسترش سریع آن‌ها موجب بروز دغدغه‌های اخلاقی مهمی شده است. یکی از مهم‌ترین این دغدغه‌ها، نقض اصول اخلاق علمی است؛ زیرا امکان تولید آسان و گسترده‌ی محتوا از طریق ابزارهای هوش مصنوعی، مرز میان اصالت پژوهش ناشی از تلاش انسان و متن تولیدشده به‌طور خودکار توسط ماشین را نامشخص می‌سازد. این شکل نوظهور از تخلف علمی، که با به‌کارگیری نادرست محتوای تولیدشده توسط ماشین مشخص می‌شود، می‌تواند بنیان‌های کلیدی آموزش عالی یعنی اصالت فکری، مالکیت فردی اثر و مسئولیت‌پذیری پژوهشی را به چالش بکشد. بر این اساس، پژوهش حاضر به بررسی چالش‌های ناشی از رواج روزافزون استفاده از هوش مصنوعی در نگارش دانشگاهی و پیامدهای آن بر افزایش احتمال سرقت ادبی می‌پردازد؛ مسئله‌ای که می‌تواند تهدید جدی با روند رو به افزایش برای اصالت و یکپارچگی نظام علمی محسوب شود. مطالعه‌ی حاضر، همچنین، پیشنهادهایی را برای مدرسان و مؤسسات آموزش عالی ارائه می‌دهد تا بتوانند راهبردهای کارآمدی برای پیشگیری از استفاده‌ی نادرست از فناوری‌های هوش مصنوعی و ترویج رفتارهای پژوهشی اخلاق‌مند تدوین کنند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که با به‌کارگیری رویکردهای آموزشی هدفمند برای توانمندسازی دانشجویان و پژوهشگران نوپا در زمینه‌ی استفاده صحیح و مناسب از هوش مصنوعی و با ارتقای سطح آگاهی آنان نسبت به انواع تخلفات پژوهشی و طراحی فعالیت‌های یادگیری که تفکر انتقادی و خلاقیت را پرورش می‌دهند، بدون تردید می‌توان از ظرفیت‌های هوش مصنوعی در خدمت اصالت پژوهش و بهبود فرایند یادگیری بهره‌گرفت.

کلیدواژه‌ها: هوش مصنوعی، آموزش عالی، اخلاق علمی، سرقت ادبی، آموزش

## مقدمه

نگارش دانشگاهی یکی از ارکان اساسی پژوهش و آموزش به شمار می‌آید و متضمن به کارگیری رویکردی نظام‌مند برای تبیین و انتقال اندیشه‌ها است. این سبک نوشتار به‌طور گسترده توسط پژوهشگران و مدرسان در آثار علمی به‌منظور ارائه استدلال‌های مبتنی بر داده و استنتاج‌های منطقی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این حال، نگارش دانشگاهی می‌تواند فرایندی دشوار باشد و میزان پیچیدگی آن بر اساس ویژگی‌های نویسنده، حوزه تخصصی، به‌ویژه برای دانشجویان و پژوهشگران مبتدی و غیر بومی، متفاوت است (Mansourizadeh & Ahmad, ۲۰۱۱, ۲۰۱۶). در این نوع نوشتار، نویسنده ناگزیر است حجم گسترده‌ای از اطلاعات، مفاهیم پیچیده، نظریه‌ها و داده‌های تجربی را با دقت، انسجام و شفافیت تحلیل و بیان کند. با توجه به چنین چالش‌هایی، هوش مصنوعی نقش مهمی در بهبود کیفیت نوشتار دانشگاهی ایفا می‌کند. ابزارهای نوشتاری مبتنی بر هوش مصنوعی قادرند در زمینه‌هایی نظیر اصلاح دستور زبان، بهبود ساختار، کاربرد صحیح استنادها و رعایت استانداردهای نگارشی رشته تخصصی به نویسندگان یاری رسانند (Khalifah & Albadavi, ۲۰۲۴).

تعاریف متعددی برای هوش مصنوعی ارائه شده است. در تحلیل این تعاریف، پوپنچی و کر<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) هوش مصنوعی را به‌عنوان سامانه‌های رایانه‌ای توصیف می‌کنند که توانایی انجام فرایندهایی شبیه به عملکردهای انسانی، از جمله یادگیری، سازگاری، ترکیب اطلاعات، خوداصلاحی و بهره‌گیری از داده‌ها برای اجرای وظایف پیچیده محاسباتی را دارند. در عرصه آموزش عالی نیز آینده به‌شدت تحت تأثیر توسعه پیوسته فناوری‌های نو و افزایش توانمندی ماشین‌های هوشمند قرار دارد. این فضای پویای در حال تغییر، فرصت‌ها و چالش‌های بی‌سابقه‌ای را برای آموزش و یادگیری ایجاد می‌کند.

ادغام فناوری هوش مصنوعی در عرصه آموزش، تحولی عمیق در شیوه‌های تدریس و یادگیری ایجاد کرده است؛ به‌گونه‌ای که با فراهم کردن ابزارهای نوآورانه، نه تنها کیفیت عملکرد تحصیلی دانشجویان را ارتقا می‌دهد، بلکه به بهینه‌سازی فعالیت‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های آموزشی نیز کمک می‌کند. با این حال، گسترش کاربرد این فناوری در کنار مزایای فراوان، زمینه‌ساز چالش‌های مهمی شده است که یکی از اساسی‌ترین آن‌ها حفظ صحت، صداقت و اصالت علمی در فرایندهای یادگیری و تولید محتواست؛ موضوعی که نیازمند سیاست‌گذاری دقیق، تدوین استانداردهای اخلاقی و توسعه سواد رسانه‌ای و فناوری در میان کاربران است. براون و فاستر<sup>۲</sup> (۲۰۲۴) اذعان دارند که پدیده سرقت علمی مرتبط با هوش مصنوعی، که به استفاده نابجا از محتوای تولیدشده توسط سامانه‌های هوشمند در محیط‌های آموزشی اشاره دارد، به یکی از چالش‌های فزاینده بدل گشته است. این‌گونه تقلب‌های علمی، مبانی اصالت و صداقت فکری را که شالوده نظام آموزشی محسوب می‌شوند، مورد تهدید قرار می‌دهند. از این‌رو همگام با پیشرفت فزاینده و سهولت دسترسی به ابزارهای هوش مصنوعی، نگرانی‌ها درباره سوءاستفاده از این فناوری برای تولید محتوای غیراصولی نیز به‌طور محسوسی تشدید یافته است.

محتوای تولیدشده توسط هوش مصنوعی که اغلب از طریق ابزارهای پردازش زبان طبیعی تولید می‌شوند، این امکان را برای دانشجویان فراهم می‌کنند که با حداقل تلاش، مقاله‌ها، تکالیف و پژوهش‌های درسی را ارائه دهند. این مسئله باعث برانگیخته شدن سؤالات جدی درباره اصالت آثار و رعایت اصول اخلاقی در عرصه آموزش شده است. سیستم‌های سنتی شناسایی سرقت ادبی در همگامی با قابلیت‌های پیشرفته هوش مصنوعی با چالش جدی مواجه‌اند، زیرا این فناوری قادر به تولید محتوایی است که از نظر ساختار، صحیح و از منظر ظاهری، منحصر به فرد به نظر می‌رسد.

۱. Popenici & Kerr

۲. Brown & Foster

و در نتیجه، تشخیص آن دشوار می‌باشد (Lee & Thomas, ۲۰۲۴). علاوه بر این، فقدان راهنماهای استاندارد که بتوانند بین استفاده صحیح از هوش مصنوعی و سوءاستفاده تمایز قائل شوند، این مسئله را بیش از پیش بغرنج ساخته و جامعه آموزشی و نهادهای مرتبط را با این چالش دست به گریبان کرده است (Mpolomoka, ۲۰۲۵).

شیوع فزاینده سرقت علمی مرتبط با هوش مصنوعی، پیامدهای عمیقی برای سیاست‌ها در حیطه صداقت علمی و شیوه‌های آموزشی به همراه دارد. مقابله با این چالش مستلزم اتخاذ رویکردی همه‌جانبه است که در آن، فناوری‌های پیشرفته تشخیص سرقت ادبی با رهنمودهای اخلاقی شفاف و کمک‌های آموزشی هدفمند تلفیق شوند تا استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی در محیط‌های آکادمیک ترغیب گردد (Smith & Taylor, ۲۰۲۴). پژوهش حاضر تأثیر هوش مصنوعی بر پدیده سرقت علمی در بستر دانشگاهی را مورد واکاوی قرار می‌دهد، چالش‌های ناشی از به‌کارگیری این فناوری را بررسی می‌نماید، به تبیین نقش راهبردهای آموزشی در مواجهه با محتوای تولیدشده توسط هوش مصنوعی می‌پردازد و در نهایت، رهنمودهای کاربردی برای اساتید و مربیان در آموزش عالی ارائه می‌دهد.

### تأثیر ابزارهای هوش مصنوعی بر سرقت ادبی

ادغام هوش مصنوعی در پژوهش‌های دانشگاهی به گونه‌ای بنیادین رویکردهای تحقیقاتی را دگرگون ساخته و کارآیی و دسترسی به فعالیت‌های علمی را در رشته‌های مختلف ارتقا داده است. محققانی همچون کوتسس<sup>۱</sup> (۲۰۲۴) بر این باور هستند که این تحول فناورانه به پژوهشگران امکان می‌دهد تا به داده‌های گسترده‌تری دسترسی یابند و به بینش‌هایی برسند که پیش‌تر به‌سختی قابل دستیابی بود. با این حال، این پیشرفت هم‌زمان پرسش‌های مهمی را درباره اصالت نویسنده‌گی و افزایش احتمال بروز سرقت علمی مطرح می‌کند؛ مسائلی که می‌توانند اعتبار و اصالت علمی آثار پژوهشی را تهدید کنند. در زمینه نگارش دانشگاهی برای نمونه، هرچند ابزارهای هوش مصنوعی از طریق تولید خودکار مراجعات و استناد می‌توانند فرایند مرور ادبیات را به‌طور چشمگیری تسریع بخشند، اما ممکن است به‌صورت ناخواسته الگوهای کپی‌برداری و بازتولید محتوا بدون خلاقیت و به‌صورت غیرانتقادی در میان پژوهشگرانی که بیش از حد به خروجی‌های تولیدشده توسط این ابزارها وابسته می‌شوند گسترش یابد، بی‌آنکه ارزیابی انتقادی لازم را انجام دهند.

تعامل با ابزارهای هوش مصنوعی می‌تواند نگرش‌ها و رفتارهای دانشجویان را نسبت به صداقت علمی تحت تأثیر قرار دهد. در مطالعه‌ای اخیر، مپولوموکا<sup>۲</sup> (۲۰۲۵) نشان داد که ابزارهای هوش مصنوعی قادرند به‌عنوان الگوهایی عمل کنند که یا از فرایندهای مناسب یادگیری حمایت کنند یا به شکل‌گیری و ترویج رفتارهای مرتبط با سرقت علمی بینجامند. نتایج این مطالعه که به بررسی چگونگی تأثیر ابزارهای فناورانه بر شیوه‌های یادگیری دانشجویان می‌پردازد، نشان داد که مداخلات آموزشی می‌توانند پیامدهای منفی را کاهش داده و در عین حال به تقویت رفتارهای مثبت و اخلاق‌مدار کمک کنند. لونگک و دیویس<sup>۳</sup> (۲۰۲۴) همچنین نشان داده‌اند که سهولت دسترسی و هزینه نسبتاً پایین استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی، از جمله ChatGPT<sup>۴</sup> (تبدیل‌گر مولد از پیش آموزش‌دیده) شرایطی را فراهم کرده است که دانشجویان بتوانند با حداقل تلاش، تکالیف دانشگاهی را آماده کنند و این امر به افزایش قابل توجه موارد تولید محتوای غیراصیل انجامیده است.

سرقت ادبی مرتبط با هوش مصنوعی به مسئله‌ای روزافزون و فراگیر در محیط‌های آموزشی تبدیل شده است، زیرا ابزارهای هوش مصنوعی در میان دانشجویان محبوبیت بیشتری پیدا کرده‌اند. احمد و جانسون<sup>۵</sup> (۲۰۲۴) تأکید می‌کنند

۱. Kotsis

۲. Mpolomoka

۳. Leung & Davies

۴. Chat GPT: Generative Pre-Trained Transformer

۵. Ahmed & Johansson

که ظهور ابزارهای هوش مصنوعی قادر به تولید محتوای پیشرفته، مرز میان کمک‌رسانی و تخلف را مبهم کرده است. این ابزارها به دانشجویان امکان می‌دهند که مقاله‌ها، گزارش‌ها و حتی پژوهش‌هایی تولید کنند که شبیه نوشته‌های انسانی است و همین امر باعث شده است که ابزارهای سنتی تشخیص سرقت ادبی کارایی خود را از دست بدهند. این مطالعه افزایش نگران‌کننده‌ای در تخلفات علمی مرتبط با هوش مصنوعی را شناسایی می‌کند، به‌ویژه در میان دانشجویانی که به فناوری‌های پیشرفته دسترسی دارند.

احمد و جانسون (۲۰۲۴) اظهار می‌دارند که سرقت ادبی مرتبط با هوش مصنوعی به مسئله‌ای فراگیر و رو به گسترش در محیط‌های آموزشی بدل شده است، زیرا ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی به‌طور روزافزون در میان دانشجویان رواج یافته‌اند. آن‌ها تأکید دارند که ظهور ابزارهایی با توانایی تولید محتوای پیچیده، مرز میان موارد کمک آموزشی مناسب و موارد تخلف علمی را کم‌رنگ کرده است. این ابزارها دانشجویان را قادر می‌سازند تا مقاله‌ها، گزارش‌ها و حتی پژوهش‌هایی تولید کنند که از نظر سبک نگارش شباهت زیادی به نوشته‌های انسانی دارد و تشخیص آن‌ها از طریق سامانه‌های سنتی تشخیص سرقت ادبی به شدت کاهش یافته است. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهندهٔ افزایش قابل توجه موارد تخلف علمی مرتبط با هوش مصنوعی است، به‌ویژه در میان دانشجویانی که به فناوری‌های پیشرفته دسترسی دارند.

بخش عمده‌ای از مناقشات مرتبط با سرقت ادبی در حوزهٔ پژوهش‌های علمی به مدل‌های زبانی بزرگ<sup>۱</sup> معطوف است. این مدل‌ها، نظیر GPT (تبدیل‌گرهای مولد از پیش آموزش‌دیده)، بر مبنای اصول یادگیری ماشین و پردازش زبان طبیعی<sup>۲</sup> کار می‌کنند. اساساً، چنین مدل‌هایی با اتکا به مجموعهٔ داده‌های بسیار گسترده‌ای از متون، که طیف متنوعی از موضوعات و سبک‌های نوشتاری را دربر می‌گیرد، آموزش می‌بینند تا الگوها و ساختارهای ذاتی زبان انسانی را فراگیرند. در طی فرایند آموزش، مدل‌های زبانی بزرگ نوعی فهم از دستور زبان، نحو، معناشناسی و حتی برخی جنبه‌های بافتی و کاربردشناختی زبان کسب می‌کنند. این مدل‌ها از رویکردی بهره می‌جویند که امکان پیش‌بینی و تولید توالی‌های متن را از طریق درک روابط و وابستگی‌های میان واژگان در یک جمله فراهم می‌آورد (Hutson, ۲۰۲۴). بر اساس این اصل، محقق‌هایی نظیر هاتسون معتقدند که این روش در حفظ پیوستگی و انسجام در بخش‌های طولانی متن بسیار مؤثر است و به مدل اجازه می‌دهد تا متونی تولید کند که از نظر معنایی سازگار و متناسب با بافت باشند. از این‌رو، این مدل‌های زبانی قادرند طیف وسیعی از وظایف زبانی، از جمله تکمیل متن، ترجمه، خلاصه‌سازی و تولید محتوا را انجام دهند و غالباً خروجی‌هایی ارائه می‌کنند که شباهت زیادی به متون تألیف شده توسط انسان دارد.

بحث دیگری که وجود دارد در مورد ابزارهای شناسایی سرقت ادبی می‌باشد. براون و فاستر (۲۰۲۴) تصریح می‌کنند که با وجود پیشرفت‌های حاصل شده توسط سیستم‌های موجود، شناسایی سرقت ادبی مبتنی بر هوش مصنوعی در تشخیص نمونه‌های سنتی سرقت ادبی، بسیار مؤثر می‌باشد ولی این سیستم‌ها اغلب در شناسایی محتوای تولیدشده توسط ابزارهای پیشرفتهٔ هوش مصنوعی کارآمد نیستند. آن‌ها به این موضوع تأکید دارند که دقت زبانی و مرتبط بودن متون تولیدشده توسط هوش مصنوعی، چالش‌های جدی برای سیستم‌های فعلی تشخیص متن را ایجاد می‌کند و این امر ضرورت به‌روزرسانی مداوم و ارتقای الگوریتم‌های شناسایی را آشکار می‌سازد. در راستای این دیدگاه، وانگ و لوپز<sup>۳</sup> (۲۰۲۴) بر ملاحظات اخلاقی مرتبط با استفاده از هوش مصنوعی در شناسایی سرقت ادبی اشاره می‌کنند. آن‌ها

۱. Large Language Models

۲. Natural Language Processing

۳. Wang & Lopez

اظهار می‌دارند که در حالی که این ابزارها توانایی شناسایی محتوای غیراصل را بهبود می‌بخشند، هم‌زمان نگرانی‌هایی در زمینه حریم خصوصی و امکان مطرح شدن اتهامات نادرست نیز ایجاد می‌گردد.

به‌طور مشابه، اسمیت و تیلور<sup>۱</sup> (۲۰۲۴) به‌طور ویژه بر چالش‌های پیش روی مدرسین در تمایز بین تلاش‌های واقعی دانشجویان و آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی تأکید می‌کنند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که با وجود پیشرفت ابزارهای شناسایی سرقت ادبی، این ابزارها اغلب در شناسایی محتوای تولید شده توسط مدل‌های پیشرفته هوش مصنوعی که به‌طور دقیق سبک نوشتار انسانی را شبیه‌سازی می‌کنند، ناکام هستند. لی و توماس<sup>۲</sup> (۲۰۲۴) نیز گزارش می‌دهند که سیستم‌های شناسایی سرقت ادبی مبتنی بر هوش مصنوعی، از جمله Grammarly و Turnitin، در شناسایی الگوهای بازاستفاده از متن و تشخیص شباهت‌های نوشتاری به‌طور قابل توجهی پیشرفت داشته‌اند. با این حال، این سیستم‌ها غالباً در شناسایی محتوای تولید شده توسط مدل‌های پیچیده هوش مصنوعی، که هدف آن‌ها تقلید از سبک نوشتار انسانی است، ناکارآمد هستند.

به‌طور کلی، یافته‌ها نشان می‌دهد که پیشرفت‌های اخیر در ابزارهای شناسایی سرقت ادبی گرچه توانسته‌اند تا حد زیادی الگوهای بازاستفاده از متن و شباهت‌های نوشتاری را تشخیص دهند، اما همچنان در مواجهه با محتوای تولید شده توسط مدل‌های پیشرفته هوش مصنوعی محدودیت دارند. این وضعیت، ضرورت بازنگری مستمر و به‌روزرسانی الگوریتم‌های شناسایی سرقت ادبی را برای همگامی با تحولات سریع فناوری هوش مصنوعی نشان می‌دهد و ضرورت ایجاد روش‌های نوین ارزیابی و اطمینان از اصالت آثار علمی را مشهود می‌سازد. در بخش بعدی این مطالعه چالش‌هایی که در مواجهه با سرقت ادبی مبتنی بر هوش مصنوعی وجود دارد، مورد بررسی قرار گرفته است.

### چالش‌های مرتبط با کاربرد هوش مصنوعی در زمینه‌های دانشگاهی

از آنجا که مؤسسات آموزش عالی همواره در تلاش هستند که در محیط آموزشی پویای امروز پیشگام بمانند، درک فرصت‌هایی که هوش مصنوعی پیش روی نظام‌های آموزش عالی می‌گذارد و همچنین شناخت چالش‌های اخلاقی، آموزشی و فنی ناشی از آن، اهمیتی اساسی دارد. چنین درکی برای پذیرش کامل و استفاده آگاهانه از این افق نوین آموزشی ضروری است. همان‌طور که دهوش<sup>۳</sup> (۲۰۲۱) اظهار می‌دارد، یکی از این چالش‌ها، توانایی هوش مصنوعی برای تولید محتوایی است که از نظر سبک و کیفیت از متن نوشته شده توسط انسان قابل تشخیص نیست و این خود باعث شده است که مرز روشنی میان نوشتاری که اصلی هست و آنچه که مشتق از سایر منابع می‌باشد وجود نداشته باشد. در نتیجه، جوامع دانشگاهی، علمی و نشر اکنون با چالش دشوار بازتعریف مفهوم سرقت ادبی در زمینه‌ی نوشتارهای مبتنی بر هوش مصنوعی روبه‌رو هستند؛ چالشی که فراتر از حوزه‌های سنتی استاد و ارجاع‌دهی و بازنویسی متن می‌باشد و ماهیت اصلی خلاقیت و تفکر خلاقانه در نگارش آکادمیک را در بر می‌گیرد.

براون و فاستر<sup>۴</sup> (۲۰۲۴) تأکید می‌کنند که سرقت ادبی مرتبط با هوش مصنوعی با چالش‌های منحصر به فردی همراه است؛ زیرا سامانه‌های هوش مصنوعی قادرند متونی را تولید کنند که از نظر بافت معنایی، دقیق و در ظاهر، کاملاً اصلی به نظر می‌رسند. آن‌ها استدلال می‌نمایند که فقدان سامانه‌های تشخیص کارآمد و همچنین نبود سیاست‌های واضح دانشگاهی در این زمینه، شکاف قابل توجهی ایجاد کرده است که برخی دانشجویان از آن بهره‌برداری می‌کنند. علاوه بر این، ماس و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۲۴) به بررسی عمیق‌تر چالش‌های فنی در شناسایی سرقت ادبی ناشی از تولیدات هوش مصنوعی می‌پردازند و خاطر نشان می‌کنند که بسیاری از ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی از الگوریتم‌های پیشرفته‌ی

۱. Smith & Taylor

۲. Lee & Thomas

۳. Dehouche

۴. Maass et al.

پردازش زبان طبیعی بهره می‌گیرند و محتوایی تولید می‌کند که شناسایی آن را برای سامانه‌های متداول تشخیص دشوار می‌سازد. در مطالعه‌ای اخیر، مپولوموکا (۲۰۲۵) مقالاتی را بررسی کرد که مجموعه‌ای متنوع از جزئیات دربارهٔ میزان رواج سرقت ادبی مرتبط با هوش مصنوعی، چالش‌های پیش روی مؤسسات آموزشی و میزان اثربخشی ابزارها و راهبردهای موجود برای تشخیص سرقت ادبی را ارائه می‌دادند. یافته‌ها نشان داد که هرچند ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی در شناسایی و پیشگیری از سرقت ادبی پیشرفت چشمگیری داشته‌اند، اما در همگام شدن با فناوری‌های پیشرفته‌ی هوش مصنوعی که قادر به تولید متن‌هایی مشابه نوشتار انسانی هستند، با چالش‌هایی روبه‌رو می‌باشند.

در مطالعه‌ای که احمد و یوهانسون (۲۰۲۴) راهبردهای دانشگاهی را مورد بررسی قرار دادند، دریافتند که ادغام ابزارهای تشخیص مبتنی بر هوش مصنوعی با سیاست‌های صداقت علمی می‌تواند به‌طور چشمگیری میزان سرقت علمی را کاهش دهد. آن‌ها بر اهمیت آموزش دانشجویان در مورد استفادهٔ اخلاقی از هوش مصنوعی تأکید دارند. علاوه بر این، سینگ و هارتلی<sup>۱</sup> (۲۰۲۴) تأثیر هوش مصنوعی بر سیاست‌های صداقت علمی را بررسی کردند و دریافتند که دستورالعمل‌های روشن در مورد استفادهٔ قابل قبول از ابزارهای هوش مصنوعی برای ترویج محیط علمی اخلاقی حیاتی است. پژوهش آن‌ها نشان داد که اغلب سیاست‌های مبهم یا منسوخ مؤسسات می‌تواند منجر به سرقت علمی توسط دانشجویان شود.

خلیفه و البدوی<sup>۲</sup> (۲۰۲۴) در پژوهش خود ۲۴ مطالعه را شناسایی کردند که بر اساس آن‌ها هوش مصنوعی در شش حوزهٔ اصلی به نگارش دانشگاهی و پژوهش کمک می‌کند؛ از جمله، تسهیل ایجاد ایده و طراحی پژوهش، بهبود محتوا و ساختاردهی، کمک به مرور ادبیات و ادغام مطالعات، ارتقای مدیریت و تحلیل داده‌ها، کمک به ویرایش و انتشار، کمک در ارتباطات و دسترسی‌ها و رعایت مسائل اخلاقی. چت‌جی‌بی‌تی پتانسیل قابل توجهی در این حوزه‌ها نشان داده است، اگرچه چالش‌هایی مانند حفظ صداقت علمی و تعادل در استفاده از هوش مصنوعی با بینش انسانی همچنان باقی است.

با این حال، علی‌رغم پتانسیل افزایش کیفیت نگارش علمی و بهره‌وری پژوهشی، ملاحظات اخلاقی مهمی شناسایی شده‌اند؛ از جمله، نقش محوری هوش انسانی در فرایند پژوهش و محدودیت‌هایی که ابزارهای هوش مصنوعی ممکن است در هدایت ایده‌ها و طرح‌ریزی تحقیقات اعمال نمایند. این ابزارها ممکن است مسیر پژوهش و پژوهشگران را به سمت حوزه‌های نامرتبط منحرف ساخته یا آنان را از اهداف اصلی تحقیق دور سازند. بر این اساس، پیش از اتکای بی‌قید و شرط بر هوش مصنوعی جهت توسعهٔ ایده‌ها و طراحی پژوهشی، انجام بحث‌های جامع در مورد کاربردها، مخاطرات و محدودیت‌های این فناوری ضروری به نظر می‌رسد (Dergaa, et al, ۲۰۲۳).

الالی و رشید<sup>۳</sup> (۲۰۲۳) بیان می‌دارند که استفاده از هوش مصنوعی در فرایند پژوهش، به خودی خود امری نادرست تلقی نمی‌گردد. پژوهشگر می‌تواند داده‌ها را در اختیار یک سامانهٔ هوش مصنوعی قرار داده و از آن برای انجام تحلیل‌های آماری بهره‌گیرد. این کار، فرایندی را که با استفاده از فناوری‌های دیگر مانند بستهٔ آماری برای علوم اجتماعی یا (SPSS) ساعت‌ها به طول می‌انجامد، کارآمد و تسریع می‌کند. سایر کاربردهای قابل قبول هوش مصنوعی در پژوهش می‌تواند شامل بازیابی دستوری متون یا تدوین بخش نتیجه‌گیری برای یافته‌های معتبر یک مطالعه باشد که با حذف کارهای وقت‌گیر، شتاب بیشتری به فرایند پژوهش علمی می‌بخشد. با این حال، آن‌ها اظهار می‌کنند که چالش اصلی زمانی پدید می‌آید که از داده‌های غیرموجود برای جعل نتایج پژوهش استفاده شود. چنین مواردی به سادگی می‌توانند از بررسی‌های انسانی عبور کرده و راه خود را به مجلات علمی باز کنند. محققین دیگر؛ برای مثال، زیмба و

۱. Singh & Hartley

۲. Khalifah & Albadavi

۳. Elali & Rachid

گاسپاریان<sup>۱</sup> (۲۰۲۱)، نیز تأکید دارند که جعل آگاهانه آثار پژوهشی، پیامدهای شدیدی برای فرد متخلف، جامعه علمی و نیز حوزه‌های موضوعی مرتبط (نظیر جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی و پزشکی) که برای اتخاذ تصمیمات آگاهانه به صحت این انتشارات متکی هستند، در پی خواهد داشت.

به‌طور کلی آنچه که مطالعات در این زمینه نشان می‌دهد، این است که تولید پژوهش‌های ساختگی و تحریف‌شده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی، چالش‌های جدی و فزاینده‌ای را برای جامعه علمی ایجاد کرده است. قابلیت تولید محتوای جعلی، همراه با دشواری شناسایی این گونه آثار منتشر شده و فقدان سامانه‌های کارآمد برای تشخیص محتوای تولید شده به وسیله هوش مصنوعی، بستر مناسبی را برای بروز تخلفات پژوهشی فراهم می‌آورد. بنابراین، محققانی نظیر الالی و رشید<sup>۲</sup> (۲۰۲۳) پیشنهاد می‌دهند که به‌منظور پیشگیری از انتشار آثار ساختگی، سردبیران مجلات علمی ناگزیر باید از دقت، هوشیاری و روش‌های ارزیابی سخت‌گیرانه‌تری بهره‌گیرند؛ در عین حال، آن‌ها این موضوع را روشن می‌کنند که شیوه‌های جست‌وجو و ارزیابی مورد استفاده برای شناسایی جعل علمی، با روش‌هایی که معمولاً برای تشخیص سرقت ادبی به کار می‌روند، تفاوت‌های اساسی دارند.

تشخیص تفاوت میان متون تولید شده توسط هوش مصنوعی و متون نوشته شده توسط انسان، ارزیابی توانایی واقعی دانشجویان در بیان ایده‌های اصیل را با چالش مواجه کرده است. این ابهام به‌طور مستقیم می‌تواند بر اهداف بنیادین آموزش نگارش و پژوهش اثر گذارد. از این‌رو، نگرانی فزاینده‌ای مطرح است مبنی بر این که سهولت تولید متون پیشرفته با استفاده از هوش مصنوعی ممکن است دانشجویان را به اتکا بر فناوری، به جای تقویت مهارت‌های تحلیلی و نگارشی خود، سوق دهد و بدین ترتیب صداقت علمی را تضعیف کند (Yeo, ۲۰۲۳).

کوتسیس (۲۰۲۴) این چالش را به این صورت ارائه می‌دهد که از یک سو، هوش مصنوعی ظرفیت آن را دارد که فرایند پژوهش را به‌طور چشمگیری بهینه‌سازی کند؛ به گونه‌ای که با ارائه‌ی بینش‌های تخصصی و تولید پیش‌نویس‌های اولیه، امکان بررسی عمیق‌تر موضوعات پیچیده را فراهم آورد. همچنین، می‌تواند در سامان‌دهی حجم گسترده‌ای از داده‌ها، شناسایی اطلاعات مرتبط و ایجاد فرصت برای پژوهشگران جهت تمرکز بر تفسیر، تحلیل انتقادی و اندیشه‌ی نوآورانه نقش مؤثری ایفا کند. از سوی دیگر، خطر اتکای افراطی به این فناوری مطرح است؛ اتکایی که ممکن است ناخواسته به بروز سرقت ادبی یا کاهش توانایی در تولید اندیشه‌ی اصیل بینجامد. از این‌رو، محققین در این زمینه؛ برای مثال، سینگ و هارتلی<sup>۳</sup> (۲۰۲۴) و کوتسیس (۲۰۲۴)، بر این نظر متفق هستند که پیامدهای مرتبط با حفظ سخت‌گیری و سلامت علمی را برجسته ساخته و بر ضرورت تدوین چارچوب‌های منسجم و معتبر برای هدایت استفاده اخلاقی از هوش مصنوعی در فرایندهای پژوهشی تأکید می‌کند.

آنچه می‌توان از این مطالعات نتیجه گرفت این است که هوش مصنوعی به‌طور چشمگیری در حوزه‌های مختلف، نگارش علمی و پژوهش را متحول می‌کند. پیشنهادها شامل ادغام گسترده‌تر ابزارهای هوش مصنوعی در فرایندهای پژوهشی می‌باشد. در عین حال استفاده اخلاقی و شفاف، ارائه آموزش کافی به پژوهشگران و حفظ تعادل بین کاربرد هوش مصنوعی و بینش انسانی و ضرورت ایجاد چارچوب‌های جامع که به استفاده اخلاقی از هوش مصنوعی در آموزش می‌پردازد، مورد تأکید قرار گرفته است.

۱. Zimba & Gasparyan

۲. Elali & Rachid

۳. Singh & Hartley

## نقش آموزش در بستر دانشگاهی

در برخورد با سرقت علمی، پژوهشگران همواره بر این باور بوده‌اند که موارد غیر عمدی، که عمدتاً ناشی از فقدان مهارت‌های لازم و یا عدم آگاهی است، می‌بایست با رویکردی آموزشی پاسخ داده شود. به عنوان نمونه، سامونلز و بست<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) خاطر نشان می‌سازند که آموزش جامع ابعاد مختلف سرقت علمی به دانشجویان امری ضروری است. همسو با این دیدگاه، کارول<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) مدعی است که اولویت باید بر ترویج فرهنگ آموزش و یادگیری باشد، نه صرفاً شناسایی تخلفات و برخورد با مرتکبان. از منظر ایتون<sup>۳</sup> (۲۰۲۵)، عصر حاضر، عصر مشارکت‌جویی دانشجویان در فرایندهای آموزشی و ترویج صداقت علمی است. نارضایتی‌های دانشجویان از نظام‌های آموزشی، عموماً بازتابی از ناتوانی این نظام‌ها در پاسخ‌گویی به نیازهای یادگیری آنان محسوب می‌شود. بنابراین، محور اصلی توجه می‌بایست معطوف به دانشجویان و فرایند یادگیری باشد. در همین راستا، کلیایون و ویوانیتیکیت<sup>۴</sup> (۲۰۲۳) با اشاره به پیشرفت‌های فناوری هوش مصنوعی، بر لزوم آموزش دانشجویان و متخصصان برای به کارگیری اخلاقی این فناوری در خلق آثار علمی تأکید می‌ورزند.

علاوه بر این، مطالعات نشان می‌دهند که اولاً ابزارهای تشخیص متن مبتنی بر هوش مصنوعی فاقد کارایی لازم هستند (Gegg-Harrison & Quarterman, ۲۰۲۴; Perkins et al., ۲۰۲۴; Sadasivan et al., ۲۰۲۳) و ثانیاً دقت انسان در تشخیص متون تولید شده یا ویرایش شده توسط برنامه‌های هوش مصنوعی مولد بسیار پایین است. پژوهش جدید ایتون (۲۰۲۵) با طراحی یک مطالعه ترکیبی که با مشارکت ۴۲۳ نفر انجام شد، نشان داد که تشخیص متون تولید شده توسط هوش مصنوعی حتی از طریق انسان نیز غیر قابل اعتماد است. در این مطالعه، شرکت‌کنندگان تنها ۳۶/۲۳ درصد از متون تولید هوش مصنوعی و ۴۵/۲۹ درصد از متون انسانی را به درستی شناسایی کردند که در هر دو حالت پایین‌تر از سطح تصادفی (۵۰ درصد) بود. بر این اساس، ایتون استدلال می‌کند که نقش سنتی مربی به عنوان کشف‌کننده تقلب - اعم از اتکا به قضاوت شخصی یا بهره‌گیری از فناوری - دیگر رویکردی معتبر محسوب نمی‌شود.

بنابراین، بسیاری از صاحب‌نظران؛ مانند گارسیا و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۲۴)، هاستون<sup>۶</sup> (۲۰۲۴) و سباغان و ایتون<sup>۷</sup> (۲۰۲۵) بر این باورند که در عصر فناوری‌های هوش مصنوعی با تحول سریع، به‌ویژه هوش مصنوعی مولد، نیاز فزاینده‌ای به تطبیق راهبردهای آموزشی در دروس پایه‌ای خاصی که همه دانشجویان برای یادگیری تحقیق و نگارش می‌گذرانند، وجود دارد. به کارگیری ابزارهای هوش مصنوعی مانند چت‌جی‌بی‌تی در فرایند نوشتن، هم چالش‌ها و هم فرصت‌هایی را برای مربیان ایجاد می‌کند. دانشجویان که هر روز بیش از گذشته با هوش مصنوعی آشنا می‌شوند، از این ابزارها برای جنبه‌های مختلف نوشتن استفاده می‌کنند؛ از خلاصه‌نویسی گرفته تا مرجع‌دهی و تولید لیست منابع. این روند مستلزم بازنگری در رویکردهای آموزشی است تا اطمینان حاصل شود که دانشجویان نه تنها مهارت‌های نوشتاری را کسب می‌کنند، بلکه توانایی تفکر انتقادی و حل مسئله را نیز در خود پرورش می‌دهند.

ایتون (۲۰۲۵) خاطر نشان می‌سازد که رسالت کنونی جامعه علمی، یاری‌رسانی به مدرسان در عرصه عمل برای رهایی از الزام نقش‌آفرینی به مثابه قهرمانانی است که می‌بایست میان تعقیب متخلفان علمی یا مقاومت در برابر گزارش‌دهی تخلفات، یکی را برگزینند. در واقع، در عصری که ما به عنوان افراد مجزا، کنترل ناچیزی بر شیوه‌های

۱. Samuels & Bast

۲. Carroll

۳. Eaton

۴. Kleebayoon & Wiwanitkit

۵. García et al.

۶. Huston

۷. Sabbaghan & Eaton

اثرگذاری فناوری بر جامعه خود داریم، لازم است روایت جدیدی از ماهیت یادگیری اخلاقی بازتعریف شود. آنچه در حیطه اختیارات ما قرار دارد، پرورش شایستگی‌های دانشجویان به‌عنوان متولیان آگاه آینده خود می‌باشد. مطالعات (Sabbaghan & Eaton, ۲۰۲۵) همچنین نشان داده است که دانشجویان تحصیلات تکمیلی خود نیز تمایل دارند که از هوش مصنوعی مولد به صورت اخلاقی استفاده کنند و صداقت علمی را حفظ نمایند و همچنین، خواستار عاملیت در نحوه تعامل خود با برنامه‌ها بودند، با این توضیح که اظهار داشتند استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی به آن‌ها کمک کرده است تا تخصص و قضاوت خود را با پیشنهادهای هوش مصنوعی تلفیق کنند و نتیجه‌ای واقعاً نو و اصیل خلق کنند.

سواد دیجیتال فراتر از کاربرد ابزارهای فناورانه است؛ این مفهوم شامل نگرش‌ها و مهارت‌های لازم برای بهره‌وری از این ابزارها می‌شود. دانشگاه‌ها موظف هستند مهارت‌های دیجیتال را پرورش و ارزیابی کنند تا فارغ‌التحصیلان را برای محیط‌های فناورانه در حال تحول آماده سازند. تحول مستمر هوش مصنوعی و نفوذ آن در حوزه‌های مختلف، رویکردی اخلاقی و مسئولانه را می‌طلبد (García et al., ۲۰۲۴). سواد هوش مصنوعی به دانش و درک لازم از هوش مصنوعی اشاره دارد که افراد را برای مشارکت در گفتمان گسترده‌تر حول این فناوری و اتخاذ تصمیمات آگاهانه درباره کاربردهای آن توانمند می‌سازد. این شامل درک قابلیت‌ها و محدودیت‌های هوش مصنوعی، تأثیر بالقوه آن بر جامعه و ملاحظات اخلاقی مرتبط با توسعه و به‌کارگیری آن می‌شود (Konishiy, ۲۰۱۵). معماریان و دولک<sup>۱</sup> (۲۰۲۳) بر اهمیت اصول انصاف، پاسخ‌گویی، شفافیت و اخلاق در هدایت توسعه و کاربرد هوش مصنوعی تأکید می‌کنند. درک و پرداختن به چالش‌های ناشی از هوش مصنوعی برای ادغام اخلاقی آن در آموزش امری حیاتی است.

سوءاستفاده از هوش مصنوعی، مخاطرات هشداردهنده‌ای را به همراه دارد که می‌تواند به تداوم بی‌صداقتی علمی بینجامد. تولید خودکار متون علمی بدون نظارت دقیق پژوهشگر، خطر گسترش داده‌های نادرست، استدلال‌های غیرمستند را افزایش می‌دهد. از این‌رو، دانشجویان ممکن است از این ابزارها برای عبور از فرایندهای یادگیری سنتی بهره‌گیرند که در نهایت به ارائه آثار فاقد اصالت می‌انجامد و انعکاس‌دهنده درک و تلاش واقعی آنان محسوب نمی‌شود. این چالش، بازتابی از دغدغه‌ای گسترده‌تر در خصوص اجرای اخلاقی فناوری‌های هوش مصنوعی در عرصه آموزش است و بر ضرورت فوری تدوین رویکردی متوازن و اندیشمندانه تأکید دارد که هم‌زمان از مزایای هوش مصنوعی بهره‌گیرد و در عین حال پتانسیل آن را برای ترویج سرقت علمی و تضعیف کیفیت تجربه یادگیری به‌طور مؤثری کاهش دهد (Urmeneta & Romero, ۲۰۲۴).

برای مقابله با این چالش، برخی از پژوهشگران راهبردهای آموزشی چند وجهی را برای ادغام هوش مصنوعی در فرایند نگارش پیشنهاد کرده‌اند. به‌عنوان مثال، هاستون (۲۰۲۴) توصیه می‌کند که مدرسان می‌توانند با تأکید بر اصول سبک‌شناسی و وضوح بیان، از هوش مصنوعی برای تولید جملات نمونه مرتبط با موضوعات درسی استفاده کنند و از دانشجویان بخواهند متن را برای وضوح بیشتر بازنویسی کنند و تغییرات خود را توضیح دهند. این روش، دانشجویان را به تعامل انتقادی با محتوای تولید شده توسط هوش مصنوعی ترغیب می‌کند و درک آنان را از تنوع‌های زبانی و سبکی افزایش می‌دهد. علاوه بر این، هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان یک داور برای بررسی نوشتار دانشجویان به کار گرفته شود؛ جایی که دانشجویان بازخوردهای مشخصی درباره پیش‌نویس‌های خود دریافت می‌کنند و سپس این بازخوردها را به صورت انتقادی ارزیابی می‌کنند. این رویکرد نه تنها به بهبود مهارت‌های نوشتاری دانشجویان کمک می‌کند، بلکه مهارت‌های تحلیلی آنان را در ارزیابی و به‌کارگیری بازخوردها تقویت می‌نماید. گوپتا<sup>۲</sup> (۲۰۲۴) خاطر

۱. Memarian & Doleck

۲. Gupta

نشان می‌سازد که با پرداختن آینده‌گرانه به این موضوع، نهادهای دانشگاهی می‌توانند محیطی را پرورش دهند که در عین حفظ هم‌گامی با پیشرفت‌های شتابان فناوریانه هوش مصنوعی، بر مؤلفه‌های اساسی همچون تفکر انتقادی، خلاقیت و اخلاق پژوهشی تأکید می‌ورزد.

### جمع بندی

در عصر دیجیتال، همراهی با فناوری، به‌ویژه در قالب نوشتار ترکیبی که بخشی از آن توسط هوش مصنوعی و بخشی توسط انسان تولید می‌شود، به تدریج به یک هنجار نوظهور تبدیل شده است. در زمینه‌ی سرقت ادبی مرتبط با هوش مصنوعی، مطالعات متعدد؛ برای مثال، امپولوموکا<sup>۱</sup> (۲۰۲۵)، وو و مورگان<sup>۲</sup> (۲۰۲۴)، ونگ و لوپز<sup>۳</sup> (۲۰۲۴) تأکید بر رویکرد آموزشی دارند تا از ابزارهای هوش مصنوعی به‌عنوان وسایلی کمکی در فرایند ساخت دانش بهره‌گیرند؛ نه به‌عنوان ابزاری برای دور زدن فرایندهای اصیل یادگیری. این مطالعات نقش مربیان و نهادهای آموزشی را در ایجاد محیط‌هایی که تفکر انتقادی و تصمیم‌گیری اخلاقی را تقویت می‌کنند، برجسته می‌دانند و بر ضرورت تلفیق ابزارهای تشخیص با ابتکارات آموزشی تأکید می‌کنند. این محققین بر این موضوع اذعان دارند که هوش مصنوعی باید به‌عنوان عنصری حمایتی در فرایند یاددهی-یادگیری ادغام شود، نه این‌که به‌عنوان ابزاری برای عدم صداقت علمی تلقی گردد.

از آنجا که نگارش دانشگاهی صرفاً بازنمایی واقعیت‌های علمی نیست، بلکه نوعی تعامل اجتماعی درون جوامع دانشی مربوطه است (Bazerman, ۱۹۹۸; Latour & Woolgar, ۱۹۷۹)، نقش ویژگی‌های بلاغت بیان آشکار می‌شود. نویسندگان علمی باید دانش فصاحت بیان مناسبی داشته باشند تا بتوانند اهمیت و ارزش پژوهش خود را نشان دهند و نوشته‌هایشان را برای خوانندگان هدف، متقاعدکننده‌تر سازند تا پذیرش ادعاهایشان را افزایش دهند. نویسندگان دانشگاهی نه تنها موظف‌اند کار پژوهشگران دیگر را به رسمیت بشناسند و از طریق ارجاع‌دهی مناسب به آنان اعتبار دهند، بلکه باید یافته‌های خود را نیز برجسته کنند تا ادعاهای علمی‌شان مورد پذیرش جامعه علمی قرار گیرد. در عصر دیجیتال، آموزش نگارش دانشگاهی باید از ابزارهای هوش مصنوعی برای تکمیل روش‌های سنتی تدریس بهره بگیرد و بر فرایند نگارش تمرکز نماید؛ نه صرفاً بر محصول نهایی. همچنین، باید مشارکت انتقادی با محتوای تولید شده توسط هوش مصنوعی را تشویق کند. مربیان باید تکالیفی طراحی کنند که ادغام معنادار هوش مصنوعی را ممکن سازد و تفکر انتقادی، خلاقیت و مهارت‌های حل مسئله دانشجویان را پرورش دهد.

دانشجویان باید در تمرین و استفاده مناسب از ابزارهای هوش مصنوعی مشارکت داشته باشند؛ زیرا چنین مشارکتی نه تنها به ارتقای مهارت‌های تحلیلی و انتقادی آن‌ها کمک می‌کند، بلکه ظرفیت آن‌ها را برای بهره‌گیری اخلاقی و مؤثر از فناوری نیز افزایش می‌دهد. همان‌طور که جانز و سوایلز<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) به آگاهی<sup>۵</sup> و مواجهه<sup>۶</sup> به‌عنوان دو عاملی اشاره می‌کنند که می‌تواند به دانشجویان در بهبود عملکرد دانشگاهی‌شان کمک کند، پژوهش‌های متعددی بر مزایای گنجاندن هوش مصنوعی در برنامه‌ی درسی دانشگاهی و ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت دانشجویان در حوزه‌های مشخص سواد هوش مصنوعی تأکید کرده‌اند؛ برای نمونه، سوئورث<sup>۷</sup> (۲۰۲۳) گنجاندن هوش مصنوعی در برنامه‌ی درسی دانشگاهی، آموزش هوش مصنوعی را به فرصتی بنیادی برای همه‌ی دانشجویان تبدیل خواهد کرد.

۱. Mpolomoka  
۲. Wu & Morgan  
۳. Wang & Lopez  
۴. Johns & Swales  
۵. awareness  
۶. exposure  
۷. Southworth et al.

ادغام ابزارهای هوش مصنوعی در آموزش عالی در سال‌های اخیر به یکی از محورهای اصلی مباحثات علمی تبدیل شده است. دانشجویان باید به بهترین و به‌روزترین اطلاعات و مهارت‌های لازم برای استفاده درست از ابزارهای هوش مصنوعی مجهز باشند تا مهارت‌های لازم برای تعامل نقادانه با محتوای تولید شده توسط هوش مصنوعی را توسعه دهند و هم‌زمان توانایی مقابله با استفاده‌های غیراخلاقی از فناوری‌ها و واکنش مناسب به آن‌ها را داشته باشند. همچنین، کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت که ابزارهای هوش مصنوعی را برای تدریس معرفی می‌کنند، می‌توانند به مربیان کمک کنند تا مهارت‌ها و تخصص خود را در به‌کارگیری هوش مصنوعی در روش‌های آموزشی‌شان به‌طور چشمگیری ارتقا دهند و در نتیجه به پیشرفت آموزشی درون مؤسسه کمک نمایند. توانمندسازی مربیان از طریق آموزش‌های ساختاریافته می‌تواند فرهنگ یادگیری مبتنی بر فناوری را تقویت کرده و مسیر تحول در شیوه‌های آموزش را هموار سازد.

## منابع

- Ahmed, Z., & Johansson, E. (۲۰۲۴). Academic misconduct in the era of artificial intelligence. *International Journal of Educational Research*, 92(۴), ۱۸۹-۲۰۴.
- Bazerman, C. (۱۹۸۸). *Shaping written knowledge*. Madison: University of Wisconsin Press.
- Brown, N., & Foster, P. (۲۰۲۴). Plagiarism challenges in AI-assisted educational systems. *Computers & Education*, 199, Article ۱۰۴۲۳۴.
- Carroll, J. (۲۰۰۴). *Institutional issues in deterring, detecting and dealing with student plagiarism*. Joint Information Systems Committee.
- Dehouche, N. (۲۰۲۱). Plagiarism in the age of massive generative pre-trained transformers (GPT-۳). *Journal of Educational Research*, 21, ۱۷۰۲۳.
- Dergaa, I., Chamari, K., Zmijewski, P., & Ben Saad, H. (۲۰۲۳). From human writing to artificial intelligence generated text: Examining the prospects and potential threats of ChatGPT in academic writing. *Biology of Sport*, 40(۲), ۶۱۵-۶۲۲.
- Eaton, S. E. (۲۰۲۵). Global trends in education: Artificial intelligence, post-plagiarism, and future-focused learning for ۲۰۲۵ and beyond. *International Journal for Educational Integrity*.
- Elali, F. R., & Rachid, L. N. (۲۰۲۳). AI-generated research paper fabrication and plagiarism in the scientific community. *Patterns*, 4(۳).
- Gegg-Harrison, W., & Quarterman, C. (۲۰۲۴). AI detection's high false positive rates and the psychological and material impacts on students. In S. Mahmud (Ed.), *Academic integrity in the age of artificial intelligence* (pp. ۱۹۹-۲۱۹).
- Gupta, B. P. (۲۰۲۴). Can artificial intelligence only be a helper writer for science? *Science Insights*, ۴۴(۱), ۱۲۲۱۰۱۲۲۷.
- Grájeda, A., Burgos, J., Córdova, P., & Sanjinés, A. (۲۰۲۴). Assessing student-perceived impact of using artificial intelligence tools: Construction of a synthetic index of application in higher education. *Cogent Education*, 11, ۲۲۸۷۹۱۷.
- Johns, A. M., & Swales, J. M. (۲۰۰۲). Literacy and disciplinary practices: Opening and closing perspectives. *Journal of English for Academic Purposes*, 1, ۱۳-۲۸.
- Kleebayoon, A., & Wiwanitkit, V. (۲۰۲۳). Artificial intelligence, chatbots, plagiarism and basic honesty: Comment. *Cellular and Molecular Bioengineering*.
- Konishi, Y. (۲۰۱۵). What is needed for AI literacy? Priorities for the Japanese economy in ۲۰۱۶. [https://www.rieti.go.jp/en/columns/s16\\_014.html](https://www.rieti.go.jp/en/columns/s16_014.html)
- Kotsis, K. (۲۰۲۴). Artificial intelligence creates plagiarism or academic research? *European Journal of Arts, Humanities and Social Sciences*, 1(۶), ۱۶۹-۱۷۹.
- Latour, B., & Woolgar, S. (۱۹۷۹). *Laboratory life: The social construction of scientific facts*. Beverly Hills: Sage.
- Lee, F., & Thomas, D. (۲۰۲۴). AI and plagiarism detection: New solutions for an old problem. *The Internet and Higher Education*, 57, Article ۱۰۱۱۲۱.
- Maass, W., Han, H., Yasar, H., & Multari, N. (۲۰۲۴). Conceptual modeling. *Lecture Notes in Computer Science*, 15238, ۸۹-۱۰۲.
- Mansourizadeh, K., & Ahmad, U. K. (۲۰۱۱). Citation practices among non-native expert and novice scientific writers. *Journal of English for Academic Purposes*, 10(۳), ۱۵۲-۱۶۱.

- Mansourizadeh, K., & Ahmad, U. K. (۲۰۱۶). An investigation of source use strategies in published research articles and graduate students' research papers. *Asian ESP Journal*, 12(۱), ۱۴۸-۱۸۲.
- Memarian, B., & Doleck, T. (۲۰۲۳). Fairness, accountability, transparency, and ethics (FATE) in artificial intelligence and higher education: A systematic review. *Computers and Education: Artificial Intelligence*, 5, ۱۰۰۱۵۲.
- Mpolomoka, D. L., Luchembe, M., Mushibwe, C., Muvombo, M., Changala, M., Sampa, R., & Banda, S. (۲۰۲۵). Artificial intelligence-related plagiarism in education: A systematic review. *European Journal of Education Studies*, 12(۵).
- Perkins, M., Roe, J., Postma, D., McGaughan, J., & Hickerson, D. (۲۰۲۴). Detection of GPT-۴ generated text in higher education: Combining academic judgement and software to identify generative AI tool misuse. *Journal of Academic Ethics*, 22(۱), ۸۹-۱۱۳.
- Popenici, S. A. D., & Kerr, S. (۲۰۱۷). Exploring the impact of artificial intelligence on teaching and learning in higher education. *Research and Practice in Technology Enhanced Learning*, 1۳(۱).
- Sabbaghan, S., & Eaton, S. E. (۲۰۲۵). Navigating the ethical frontier: Graduate students' experiences with generative AI-mediated scholarship. *International Journal of Artificial Intelligence in Education*.
- Sadasivan, V. S., Kumar, A., Balasubramanian, S., Wang, W., & Feizi, S. (۲۰۲۳). Can AI-generated text be reliably detected? *arXiv*.
- Samuels, L. B., & Bast, C. M. (۲۰۰۶). Strategies to help legal studies students avoid plagiarism. *Journal of Legal Studies Education*, 23(۲), ۱۵۱-۱۶۷.
- Singh, K., & Hartley, B. (۲۰۲۴). The impact of AI on academic integrity policies. *Active Learning in Higher Education*, 25(۲), ۱۳۴-۱۴۹.
- Smith, J., & Taylor, A. (۲۰۲۴). AI-driven plagiarism detection in academic writing. *Journal of Educational Computing Research*, 60(۳), ۲۲۳-۲۳۹.
- Southworth, J., Migliaccio, K., Glover, J., Reed, D., McCarty, C., Brendemuhl, J., & Thomas, A. (۲۰۲۳). Developing a model for AI across the curriculum: Transforming the higher education landscape via innovation in AI literacy. *Computers and Education: Artificial Intelligence*, 4, ۱۰۰۱۲۷.
- Urmeneta, A., & Romero, M. (Eds.). (۲۰۲۴). *Creative applications of artificial intelligence in education*. Palgrave Macmillan.
- Wang, R., & Lopez, C. (۲۰۲۴). Ethical challenges of AI in higher education assessment. *Computer Applications in Engineering Education*, 32(۴), ۳۱۵-۳۲۹. <https://doi.org/10.1002/cae.۲۲۴۰۷>
- Wu, C., & Morgan, M. (۲۰۲۴). AI and academic ethics: Exploring new frontiers. *Studies in Higher Education*, 49(۳), ۲۱۳-۲۲۷.
- Yeo, M. A. (۲۰۲۳). Academic integrity in the age of artificial intelligence (AI) authoring apps. *TESOL Journal*, 14, e۷۱۶.
- Zimba, O., & Gasparyan, A. Y. (۲۰۲۱). Plagiarism detection and prevention: A primer for researchers. *Reumatologia*, 59, ۱۳۲-۱۳۷.

**استناد به این مقاله:** منصوری زاده، کبری. (۱۴۰۴). چالش‌های استفاده از هوش مصنوعی مولد و تأثیر آن بر سرقت ادبی در نگارش دانشگاهی. فصلنامه پژوهش‌های نوین در شهر هوشمند، ۴(۲)، ۱۷-۲۹.



New Researches in The Smart City is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial ۴.۰ International License.